

# آموختن برای فردا

نقش آینده، در تعلیم و تربیت

الوین تافلر

مترجمین

بابک پاکزاد

رضا خیام



۱۳۹۹

## فهرست مطالب

|     |   |
|-----|---|
| ۷   | مقدمه<br>الوین تافلر  |
| ۱۱  | فصل اول: روان شناسی آینده<br>الوین تافلر  |
| ۳۵  | فصل دوم: تصویری از نقش اجتماعی آینده<br>بنیامین. د. سینگر                       |
| ۵۷  | فصل سوم: تربیت کودکان برای آینده<br>هارولد جی شین - جان گرت شین                 |
| ۸۱  | فصل چهارم: تدریس قرن بیست و یکم در دبیرستان های قرن بیستم<br>پریسلیا. بی گریفیت |
| ۱۱۱ | فصل پنجم: آینده گرایی سرگرمی ها و تغییرات آموزشی<br>یلی رجاز                    |
| ۱۳۵ | فصل ششم: داستان علمی - تخیلی ابزاری آموزشی<br>لیوینک استون                      |
| ۱۵۷ | فصل هفتم: ارزشها و حرکت به سوی آینده در آموزش<br>کرسچین بام - سیدنی سیمون       |

تمام نظام‌های آموزشی، از تصور ما نسبت به آینده مایه می‌گیرند. از این رو اگر تصور ما از آینده یک جامعه، با واقعیت موجود آن منطبق نباشد، نظام آموزشی آن جامعه، راه خیانت به جوانانش را در پیش گرفته است.

افراد یک قبیله سرخپوست را در نظر بگیرید که قرن‌های قرن بر روی رودخانه‌ای مشغول کرجی راندن بوده‌اند. در خلال این مدت، اقتصاد و فرهنگ قبیله، به ماهی‌گیری و محصولات آن وابسته شده است. به بار نشسته و هم چنین ساختن کرجی و ابزار مربوط به آن وابسته شده است. از آن جایی که روند رشد تحولات تکنولوژیک<sup>۱</sup> در چنین جامعه‌ای بسیار کند است، جنگ یا شیوع بیماری و دیگر بلاهای طبیعی، ضرب آهنگ زندگی افراد قبیله را چندان مختل نمی‌کند. از این رو، برای یک قبیله، داشتن تصویری معقول از آینده خویش کار چندان مشکلی نیست. زیرا تفاوت فاحشی بین امروز و فردا دیده نمی‌شود. و دقیقاً، براساس همین تصور است که نوع آموزش و پرورش تعیین می‌شود. تا آن جایی که من اطلاع دارم، با این که قبیله‌ها مدرسه‌ای ندارند، اما از برنامه‌ای آموزشی برخوردارند که شامل مجموعه‌ای از مهارت‌ها، آداب و رسوم و مناسک

مذهبی می‌شود. به عنوان مثال، پسران می‌آموزند که چگونه مانند پدران شان، پوست درخت را تراشیده و در تنه آن حفره ایجاد کنند. در چنین سیستمی، تکلیف معلم معلوم است. کار معلم تنها حفظ و انتقال دانشی است که از گذشتگان به ارث رسیده و به کار آیندگان می‌آید.

حال در نظر بگیرید ۵۰۰ مایل آن طرف‌تر، کسانی در کار ساختن سد بزرگی بر روی رودخانه باشند که می‌تواند آب رودخانه را خشک کند و افراد قبیله بی‌خبر از همه چیز، همان شیوه‌های سنتی معمول را دنبال کنند. در چنین شرایطی، چه اتفاقی برای افراد قبیله رخ خواهد داد؟

طبیعی است که به ناگهان تصور افراد قبیله از آینده، یعنی مجموعه تصوراتی که افراد قبیله، رفتارشان را بر مبنای آن تنظیم کرده‌اند، به هم می‌ریزد. زیرا که دیگر فردا تکرار امروز نیست. سرمایه‌گذاری قبیله در تربیت فرزندان و آماده کردن آنان برای زندگی در فرهنگی مبتنی بر رودخانه نیز کاری عبث و ترازیک<sup>۱</sup> است. زیرا تصور اشتباه از آینده، برنامه‌های آموزشی را به امری موهوم و بی‌ربط تبدیل می‌کند.

ما در حال حاضر در چنین وضعیتی قرار داریم اما تنها تفاوت این است که ما امروز با دست خودمان در حال ساختن سدی هستیم که در آینده، مابین ما و فرهنگ مان خواهد ایستاد. تاکنون هیچ فرهنگی این چنین با تحولات سریع تکنولوژیکی اجتماعی، اطلاعاتی و روانی مواجه نشده و این در حالی است که دم به دم بر سرعت تحولات نیز افزوده می‌شود. و ما شاهد آنیم که در جوامع مجهز به تکنولوژی پیشرفته، ساختارهای کهنه صنعتی فاقد کارایی لازم‌اند و نمی‌توانند بار تحولات جاری را بر دوش بکشند.